

Identifying the cultural barriers to political development in Iran with thematic analysis method

Lida Jamal Ashini ¹

Received: 16 March 2024

Akbar Etebariyan Khorasgani ^{2*}

Reception: 24 April 2024

Ali Rashidpoor ³

Reza Esmaili⁴

abstract

The aim of the current research was to identify the cultural barriers to political development in Iran. The research method was qualitative and using thematic analysis to identify the dimensions and components of cultural obstacles to political development in Iran. This research was of a developmental-applied type from the point of view of the goal, from the point of view of data collection, of a descriptive type, and from the point of view of the certainty of the data, it was of an exploratory type. Sampling in the current research was purposeful and continued until theoretical saturation. In the section of written sources, theoretical saturation was achieved by examining 29 sources (from 1373 to 1402) and in the interview section with 9 interviews. The findings of the research showed that cultural obstacles to political development in Iran were classified in the form of 238 basic themes, 42 organizing themes and 13 comprehensive themes. The overarching themes are: dogmatism and uncriticism, irrationality, extreme traditionalism, neuroticism, weak work ethic, weak collective spirit, Discrimination and inequality, conservatism, fear of facing reality, patriarchy, flattery and hypocrisy, disorganization, experience burning. The findings of the research emphasized that the design of educational and cultural programs in order to promote public awareness and strengthen the spirit of social participation as well as pay attention to diversity Cultural and creating a space for dialogue and exchange of views can help reduce these obstacles and pave the way to achieve political development in Iran

Keywords: theme analysis, development, political development, identification, cultural barriers.

¹ PhD student in public administration, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran

²Professor of the Department of Public Administration, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran*

³Associate Professor, Department of Cultural Management and Planning, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran

⁴.Assistant Professor, Department of Cultural Management and Planning, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.487774.1122>

شناسایی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران با روش تحلیل مضمون

لیدا جمال عینی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶

اکبر اعتباریان خوراسگانی^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵

علی رشیدپور^۳

رضا اسماعیلی^۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران بود. روش پژوهش از نوع کیفی و با استفاده از تحلیل مضمون به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران پرداخت. این پژوهش از منظر هدف، از نوع توسعه‌ای-کاربردی از منظر گردآوری داده‌ها، از نوع توصیفی و از منظر قطعیت داده‌ها، از نوع اکتشافی بود. نمونه‌گیری در پژوهش حاضر هدفمند بود و تا اشیاع نظری ادامه یافت. در بخش منابع نوشتاری، با بررسی ۲۹ منبع (از بازه ۱۳۷۳ تا ۱۴۰۲) و در بخش مصاحبه با ۹ مصاحبه، اشیاع نظری حاصل شد. یافته‌های پژوهش نشان داد موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران در قالب ۲۳۸ مضمون پایه‌ای، ۴۲ مضمون سازمان‌دهنده و ۱۳ مضمون فراگیر طبقه‌بندی گردید. مضمون‌های فراگیر عبارتند از: جزم‌گرایی و نقدناپذیری، عقل‌گریزی، سنت‌گرایی افراطی، روان‌رنجور خوبی، ضعف اخلاق کاری، ضعف روحیه جمعی، تبعیض و نابرابری، محافظه‌کاری، ترس از رویارویی با واقعیت، خان‌سالاری، چاپلوسی و دورویی، نظم‌گریزی، تجربه‌سوزی. یافته‌های پژوهش تاکید نمود که طراحی برنامه‌های آموزشی و فرهنگی به منظور ارتقاء آگاهی عمومی و تقویت روحیه مشارکت اجتماعی و همچنین توجه به تنوع فرهنگی و ایجاد فضایی برای گفت‌وگو و تبادل نظر می‌تواند به کاهش این موانع کمک کرده و مسیر را برای رسیدن به توسعه سیاسی در ایران هموار کند.

واژگان کلیدی: تحلیل مضمون، توسعه، توسعه سیاسی، شناسایی، موانع فرهنگی.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

^{۲*} استاد گروه مدیریت دولتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

^۳ دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

^۴ استادیار گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۱. مقدمه

بحث پیرامون موضوع «توسعه» به‌طور عمومی و بحث پیرامون موضوع «توسعه سیاست» به‌طور ویژه و موانع آنها در کشورهای در حال توسعه یا کشورهای توسعه‌نیافته از موضوع‌های مهمی است که بعد از جنگ جهانی دوم در بین اندیشمندان و متفکران اقتصادی، سیاسی، علوم اجتماعی و فرهنگی به امری مرسوم تبدیل شده است (ازکیا و همکاران، ۱۳۹۴؛ قوام، ۱۳۹۳). به‌رغم اینکه دهه‌ها است که پیرامون این موضوع مهم، نظریه‌های مختلف و متنوعی از سمت اقتصاددانان، جامعه‌شناسان، و سایر اندیشمندان دانشمندان علوم اجتماعی ارائه شده است اما همچنان در میان اندیشمندان علوم اجتماعی، بحث و گفت‌وگو پیرامون موضوع توسعه و تنگنای آن از تازگی ویژه‌ای، برخوردار است. یکی از مهم‌ترین علت‌های تازگی و مرسوم بودن بحث پیرامون موضوع توسعه در شکل عمومی آن و توسعه سیاسی به‌طور ویژه در جامعه است که شرایط حاکم بر آن هنوز به وضعیت یک جامعه توسعه‌یافته نرسیده است؛ در واقع، جامعه ما در مرحله‌ای از توسعه قرار دارد و ادامه این وضعیت باعث شده که به‌نظر برسد ما در مسیر توسعه در حال حرکت هستیم، اما گویی قصد عبور از آن را نداریم. این وضعیت اجتماعی با یک حقیقت تلخ همراه است که کمتر به آن توجه می‌شود. چراکه، هنوز در بین نخبگان فکری، اجتماعی و سیاسی جامعه ما یک اجماع اساسی پیرامون موضع توسعه در ابعاد مختلف آن، برنامه‌های توسعه و چگونگی تحقق و اجرای آن وجود ندارد. متأسفانه حتی برخی از کارگزاران سیاسی حاکم در عنوان نمودن مفهوم توسعه تشکیک می‌کنند و بعضاً تأکیدات خاصی در کاربرد اصطلاحات دیگری وجود دارد (بهنام، ۱۳۹۱). فرهنگ به‌عنوان پایه رفتارهای انسان و گروه‌های اجتماعی قلمداد می‌شود و ابعاد مختلف رفتار و کنش‌های انسان‌ها را شامل می‌شود. به همین دلیل می‌توان ادعا کرد که بخش زیادی از رفتارهای سیاسی افراد و گروه‌ها تحت تأثیر فرهنگ حاکم بر جامعه قرار دارد. از استدلال‌های مطرح‌شده می‌توان نتیجه گرفت که توسعه به‌معنای کلی و همچنین توسعه سیاسی به‌شدت به باورها و مؤلفه‌های فرهنگی وابسته است. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان توسعه سیاسی را به یک درخت تشبیه کرد که ریشه‌اش، همان اعتقادات و باورها، مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ ملی و جهانی است. از این‌رو، توسعه سیاسی به اعتقادات و باورها و شاخص‌های فرهنگی ویژه هر جامعه نیازمند است (حیدرپور کلیدسر و همکاران، ۱۳۹۶). بر اساس مطالب ذکر شده ایران به‌عنوان یک کشور در حال توسعه جهت دستیابی به توسعه سیاسی نیاز دارد مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ بومی جامعه مرتبط با سیاست را شناسایی و جهت‌دهی کند.

با وجود اینکه تأثیر عوامل فرهنگی بر توسعه در سال‌های اخیر مورد

توجه جهانیان قرار گرفته، به نظر می‌رسد که شناسایی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در پژوهش‌های داخلی به‌طور کامل مورد بررسی قرار نگرفته و مطالعات انجام‌شده در این زمینه پراکنده و محدود هستند. از این‌رو، ضرورت علمی و عملی ایجاب می‌کند که در این پژوهش به شناسایی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران پرداخته شود.

با اجرای این پژوهش و شناسایی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران و ارائه این عوامل به نهادهای فرهنگی زیربسط می‌توان گام اساسی در ارتباط با مانع‌زدایی از موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران برداشت. مسیر توسعه سیاسی، هیچ‌گاه و در هیچ جامعه‌ای، از جمله ایران هموار و بدون مشکل نبوده است. اجرای پژوهش‌هایی مشابه پژوهش حاضر می‌تواند مسیر توسعه سیاسی را با توجه به عوامل مهم فرهنگی هموار نموده و متولیان امر در ایران با استفاده از نتایج پژوهش حاضر می‌توانند، با سرعت بیشتری به توسعه سیاسی مدنظر خود دست یابند. از این‌رو، پرسش اصلی پژوهش این است که موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران کدام‌اند؟

۲. مبانی نظری پژوهش

توسعه‌یافتگی: منظور از توسعه‌یافتگی، بهبود شرایط اقتصادی، به‌همراه تولید ثروت و توزیع برابر فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی، امکانات و تسهیلات بهداشت، مسکن، آموزش و پرورش، کسب‌وکار است و از بُعد سیاسی، ارزش‌هایی همچون حقوق بشر، آزادی سیاسی، آزادی‌های فردی، حق بیان و اظهار نظر، حق رأی در جامعه مدنی با اقتدار، توسعه فراگیر و موزون در همه بخش‌ها، نیازمند یک بازنگری اساسی و بازسازی مستمر در چارچوب برنامه‌ریزی علمی و تخصصی با رعایت اصول آمایش سرزمین است. منظور از «برنامه‌ریزی برای توسعه»، فراهم کردن شرایطی است که در آن توسعه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور در چارچوب نظریه‌های علمی و تخصصی طراحی، تدوین و اجرا شود. کیفیت و محتوای برنامه‌های توسعه‌ای که دولت‌ها و کشورها ارائه می‌دهند، نشان‌دهنده توانمندی و قابلیت آنها در ارزش‌گذاری به آرمان‌ها و خواسته‌های ملی و نیازهای اساسی شهروندان است. میزان مطلوبیت برنامه‌ریزی و تأثیر آن بر پیشرفت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه، به آرمان‌گرایی، وطن‌پرستی و عزم مسئولان در ساختار دولتی و نهادهای قانون‌گذاری و اجرایی بستگی دارد. این مسئولان باید بتوانند با دوری از منافع شخصی و گروهی، از الگوها و نظریه‌های معتبر توسعه که با شرایط بومی کشور سازگار است، به نفع همه مردم بهره‌برداری کنند. از این‌رو، دموکراسی و توسعه، دو روی یک سکه هستند که هم به موجودیت همدیگر کمک می‌کنند و هم بر یکدیگر اثرگذار

هستند (آل یاسین، ۱۳۹۹).

موانع فرهنگی توسعه سیاسی: اگرچه امروزه یک فرد ایرانی از نظر فرهنگی با نسل‌های قبلی خود تفاوت‌هایی دارد، اما وجود اشتراکات خودآگاه و ناخودآگاه ما را به این نتیجه می‌رساند که باید به موضوع پالایش فرهنگی توجه ویژه‌ای داشته باشیم. درباره ویژگی‌های اخلاقی ایرانیان و به‌ویژه توانمندی‌های آنها، بحث‌های زیادی صورت گرفته است. اگرچه برخی از این ویژگی‌ها ممکن است شایسته تمجید باشند، اما با در نظر گرفتن تأثیرات منفی آنها در فرآیند توسعه، به‌عنوان موانع فرهنگی توسعه شناخته می‌شوند. از این دیدگاه، مهم‌ترین مواردی که در طول تاریخ به‌عنوان موانع فرهنگی در بستر فرهنگ ایرانی شکل گرفته‌اند، عبارتند از: ۱- ضعف انگیزه توفیق‌طلبی، ۲- اسطوره‌گرایی، ۳- اصل و نسب، ۴- تأکید بسیار بر احساسات، ۵- روحیه تقلید، ۶- ذهن‌گرایی، ۷- خشونت، ۸- واقعیت‌گریزی، ۹- عمل‌زدگی، ۱۰- محافظه‌کاری (شهرام‌نیا و مظفری، ۱۳۹۲).

۳. پیشینه پژوهش

موسوی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «موانع توسعه سیاسی در ایران معاصر با تأکید بر هویت سیاسی و فرهنگی» با روش تحلیلی و توصیفی به بررسی مفهوم توسعه بر دلایل فرهنگی و سیاسی ضعف توسعه سیاسی در ایران پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با وجود پیشرفت نهادهای جامعه مدنی و افزایش مطالبات توسعه‌محور در عرصه سیاسی پس از انقلاب مشروطه، ضعف در توسعه سیاسی به‌دلیل سیستم حکومتی متمرکز، نبود اجماع میان گروه‌های سیاسی، عدم هماهنگی میان صاحبان ثروت، علم و قدرت، و سیاست‌های نامناسب قومی تأثیر منفی بر این روند داشته است.

قادری (۱۳۹۶) در پژوهش با عنوان «موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران»، به شناسایی و بررسی عوامل فرهنگی که مانع دستیابی به توسعه سیاسی در جامعه ایران هستند، پرداخته است. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تاریخی انجام شده و از مولفه‌های پنهان فرهنگ جامعه به‌عنوان عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی استفاده شده است. فرض اصلی این پژوهش بر این استوار است که ساختارهای اجتماعی موجود، به ویژگی‌های فرهنگی متناقضی منجر شده که در فرهنگ سیاسی نمایان شده و به‌عنوان مانع جدی بر سر راه توسعه سیاسی در ایران عمل می‌کند.

آصف و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش رسانه‌های جمعی در کاهش موانع توسعه فرهنگی با رویکرد مدیریتی»، به تحلیل محتوای کیفی پرداخته و با انجام مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساخت‌یافته با گروهی از خبرگان، به طراحی یک الگوی مفهومی پرداخته‌اند. یافته‌های این

پژوهش نشان می‌دهد که توسعه فرهنگی با موانع متنوعی از جمله ساختاری، قانونی، تکنولوژیکی، اقتصادی، تاریخی، رفتاری و محیطی مواجه است. نتایج نشان می‌دهد که رسانه‌های جمعی با توجه به کارکردهای خاص خود، می‌توانند از طریق تمرکز بر موانع رفتاری، محیطی و تاریخی و اقداماتی مانند اندیشه‌پردازی، هنجارسازی و فرهنگ‌سازی، روند توسعه فرهنگی را تسهیل کنند.

حیدرپور کلیدسر و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «واکاوی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران (عصر پهلوی دوم)» به بررسی موانع عمده فرهنگی که مانع دستیابی جامعه ایران به توسعه سیاسی در دوره پهلوی دوم شد، پرداخته‌اند. این پژوهش با الهام از رویکرد وبری و همچنین رویکرد نوسازی بازنگری شده اینگلهارت و با استفاده از روش‌های تاریخی و اسنادی انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که فرهنگ استبدادی حاکم، مدیریت اقتدارگرایانه پهلوی دوم، سرکوب جامعه مدنی و انحلال احزاب سیاسی از مهم‌ترین موانع فرهنگی توسعه سیاسی در آن دوره بوده است. همچنین، فقدان نگرش علمی، روحیه پرسشگری، ضعف جامعه مدنی و وجود باورهای خرافی سنتی نیز از دیگر عوامل مؤثر بر ناکامی جامعه ایران در دستیابی به توسعه سیاسی در آن زمان محسوب می‌شود.

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف شناسایی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران طراحی شده است. این پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای-کاربردی و از لحاظ جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی و از جنبه قطعیت داده‌ها، اکتشافی محسوب می‌شود. با توجه به کمبودهای موجود در ادبیات موضوع، رویکرد کیفی برای اجرای پژوهش انتخاب شد تا پژوهشگر بتواند به شناسایی موانع فرهنگی توسعه سیاسی بپردازد. برای این منظور، از منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه استفاده شده است. در ابتدا، مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های مرتبط در بلنک‌های علمی معتبر از سال ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۲ مورد بررسی قرار گرفت و پس از حذف منابع غیرمرتبط، ۲۹ منبع نوشتاری از سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۴۰۲ انتخاب شد. همچنین، در مرحله بعدی، مصاحبه‌هایی با ۹ نفر از خبرگان علوم سیاسی و فرهنگی که اساتید دانشگاه بودند، انجام گرفت. به این ترتیب، با بررسی ۲۹ منبع نوشتاری و انجام ۹ مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد. نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت هدفمند انجام شد. در واقع در پژوهش‌های کیفی، تعداد نمونه‌ها تا جایی ادامه می‌یابد که دیگر داده‌های جدیدی به نظریه موجود اضافه نشود یا آن را تغییر ندهد؛ این وضعیت را اشباع نظری می‌نامند (آگاه و

همکاران، ۱۴۰۰). همچنین، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون بر مبنای رویکرد استقرایی (آتراید-استرلینگ) صورت گرفته است. تحلیل مضمون، روشی است که معمولاً برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش‌های کیفی اولیه استفاده می‌شود و داده‌ها را به اطلاعات غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. در این روش، مضامین پایه‌ای نمایان‌گر نکات کلیدی متن هستند و با ترکیب آنها، مضامین سازمان‌دهنده شکل می‌گیرد (آگاه و همکاران، ۱۴۰۰). در این پژوهش، ابتدا پاراگراف‌های مرتبط از منابع استخراج و به کدهای اولیه تبدیل شدند. سپس با دسته‌بندی کدهای اولیه، مضامین پایه‌ای استخراج و در ادامه با انتزاعی کردن دسته‌بندی‌ها، مضامین سازمان‌دهنده و در نهایت مضامین فراگیر شکل گرفتند.

۵. یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون صورت گرفت. در مرحله اول، از میان منابع و اسنادی که در این پژوهش گردآوری شده بود -شامل کتاب‌ها، مقالات و مصاحبه‌ها- پاراگراف‌های مرتبط با موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران شناسایی و استخراج گردید. سپس کدگذاری اولیه انجام شد. پس از اتمام این مرحله، کدهای مشترک کنار هم قرار گرفتند تا درباره نحوه ترکیب و ادغام آنها به منظور ایجاد مضمون‌های پایه‌ای تصمیم‌گیری شود. جدول ۱ نمونه‌هایی از مضمون‌های پایه‌ای استخراج شده را نشان می‌دهد.

جدول ۱: نمونه‌هایی از متن‌های منتخب و مضمون‌های پایه‌ای شناسایی شده

ردیف	متن استخراج شده	منبع	مضمون‌های پایه‌ای
۱	آزادی و توجه به تحول زمان و مکان موجبات نهادینه شدن سیاست، ارتقاء پاسخگویی معین قدرت و انبساط متعارف و کارآمدی نظام سیاسی را فراهم می‌نمایند. به دلایل زیر فرهنگ سیاسی شیعه می‌تواند ضمن کاهش موانع فرهنگی توسعه از قبیل جزمیت، اسطوره‌گرایی، خشونت و سیاست‌زدگی فرهنگ موجبات ارتقاء گرایش موجه زیر را فراهم آورد که عبارتند از: عقل‌گرایی، علم‌گرایی، اصل‌گرایی دینی، انتقادگرایی و فردگرایی مثبت.	رهبر (۱۳۹۳)	خشکاندیشی و مطلق‌گرایی
۲	جزمیت دستگاه حاکمه نیز امکان استفاده مطلوب از نیروهای خلاق و سازنده اجتماع را به هدر می‌دهد و تاریخ بیان‌گر این واقعیت است که پیشرفت اجتماعی و توسعه سیاسی، محتاج همکاری مردم در امور دولتی است.	موسوی و همکاران (۱۳۹۹)	جزمیت دستگاه حاکمه
۳	تعبدگرایی و تسلیم محض بودن عموماً با محدود شدن تفکر و اندیشه آزاد همراه است.	مصاحبه‌شونده ۸	تعبدگرایی و عدم آزاد اندیشی
۴	وجود دیدگاه محدود و بسته در زمینه طبیعت، انسان و محیط؛ روحیه بی‌اعتمادی و عدم تفکر استقرایی داشتن، از موانع فرهنگی توسعه به‌شمار می‌آید.	موسوی و همکاران (۱۳۹۹)	دیدگاه‌های محدود و بسته در مورد انسان و محیط
۵	کوته‌نگری هم از عوامل مهم فرهنگی است که مانع توسعه سیاسی در ایران می‌باشد.	مصاحبه‌شونده ۹	کوته‌نگری

ردیف	متن استخراج شده	منبع	مضمون‌های پایه‌ای
۶	از موانع دیگر فرهنگ سیاسی ایران این که با خصایصی که دارد، در پدید نیامدن تحول در بخش سیاسی، نقش اساسی ایفا کرده است. جامعه ایرانی با ویژگی‌های فرهنگی چون بی‌اعتمادی، جوپذیری، فردگرایی و نقدناپذیری، همواره به‌منزله محیطی نامأنوس برای ایجاد ساختارهای سیاسی نهادینه دموکراتیک محسوب می‌شده است. نداشتن آگاهی سیاسی نیز یکی دیگر از موانع در راه توسعه سیاسی است. آگاهی سیاسی با میزان مشارکت سیاسی ارتباط مستقیم دارد.	عسگری و همکاران (۱۴۰۱)	نقد ناپذیری و فقدان روحیه پرسشگری
۷	فرهنگ استبدادی حاکم بر جامعه و نظام سیاسی حاکم وقت و مدیریت اقتدارگرایانه پهلوی دوم بر نهادهای مختلف جامعه و سرکوب جامعه مدنی و انحلال احزاب سیاسی و تشکلهای اجتماعی و فرهنگی منتقد وابسته به طبقه متوسط و قطع جریان روشن‌فکری پویا و آزاد به‌عنوان مهم‌ترین موانع فرهنگی توسعه سیاسی در آن دوره محسوب می‌شود و همچنین، فقدان نگرش علمی و عقلانی، روحیه پرسشگری و نقد در جامعه، ضعف جامعه مدنی، حضور پررنگ باورهای خرافی سستی در متن جامعه، فقدان فرهنگ گفتگو، نبودن جریان روشن‌فکری اصیل، آزادی‌خواهی ملی و فقدان مطبوعات منتقد و اعمال سانسور شدید بر سایر مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی، باعث ناکامی جامعه ایران در دستیابی به توسعه سیاسی در دوره پهلوی دوم شد.	حیدرپور کلیدسر و همکاران (۱۳۹۶)	ضعف فرهنگ گفتگو
۸	شکاف سنت و تجدد به بحران هویت و ضعف هنجاری و بی‌هنجاری می‌انجامد. فقدان در الگوی تحول جامعه که نتیجه ضعف ساختارها و کنشگرهاست از یک سو بر شکاف سنت و تجدد می‌افزاید و از سوی دیگر سبب می‌شود گذار ناقص و نامنظمی در جامعه ایران داشته باشیم. و در نهایت از سرچشمه‌های ناپایداری ائتلافات، کمبود روحیه تفاهم، واگرایی و ضعف همزیستی مسالمت‌آمیز است.	فراستخواه (۱۳۹۴)	کمبود روحیه تفاهم

در گام دوم، بر اساس مشابهت‌های کاربردی مضمون‌های پایه‌ای، هر چند مضمون در یک دسته به نام مضمون سازمان‌دهنده قرار گرفت. در مرحله قبل، ۲۳۸ مضمون پایه‌ای شناسایی شد و در قالب ۴۲ مضمون سازمان‌دهنده دسته‌بندی گردید. در جدول ۲، دسته‌بندی مضمون‌های پایه‌ای در قالب مضمون‌های سازمان‌دهنده ارائه شده است.

جدول ۲: دسته‌بندی مضمون‌های پایه‌ای و استخراج مضمون‌های سازمان‌دهنده

ردیف	مضمون‌های پایه‌ای	مضمون‌های سازمان‌دهنده
۱	خشک‌اندیشی و مطلق‌گرایی	انعطاف ناپذیری و خشک‌اندیشی
۲	جرمیت دستگاه حاکمه	
۳	تعبد گرایی و عدم آزاد اندیشی	
۴	دیدگاه‌های محدود و بسته در مورد انسان و محیط	
۵	کوته‌نگری	
۶	نقد ناپذیری و فقدان روحیه پرسشگری	تفاهم‌گریزی
۷	ضعف فرهنگ گفتگو	
۸	کمبود روحیه تفاهم	
۹	عدم قبول اشتباه و فرهنگ معذرت‌خواهی	

ردیف	مضمون‌های پایه‌ای	مضمون‌های سازمان‌دهنده
۱۰	مقاومت در برابر اشتباهات	
۱۱	فقدان عقلانیت و نگرش‌های علمی	خرافه‌گرایی و عقل‌ستیزی
۱۲	نگرش‌ها و باورها و هنجارهای خرافی	
۱۳	وجود خرده‌فرهنگ‌های ضد عقل	
۱۴	باورهای غیرمنطقی، بی‌اساس و نامعقول	
۱۵	نگرش‌های احساسی	کنش و واکنش احساسی-هیجانی
۱۶	تلقین‌پذیر و هیجانی بودن	
۱۷	جوپذیری مردم	
۱۸	رودرناپستی	
۱۹	پایبندی به سنت‌ها و نهادهای سنتی	نهادهای سنتی
۲۰	قدرتمندی نهادهای سنتی	
۲۱	مقاومت نهادهای سنتی در برابر تغییر	
۲۲	افراط در برخی آداب و رسوم	تعصب و افراط‌گرایی
۲۳	افراط‌گرایی دینی	
۲۴	نگرش‌های متعصبانه مذهبی	
۲۵	ضعف امید به آینده	یاس و ناامیدی
۲۶	نگرش بدبینانه به آینده	
۲۷	امید سیاسی پایین	
۲۸	نا امید نسبت به تغییر و اصلاح امور	
۲۹	منفی‌بافی	
۳۰	ضعف گرایش به شادی و روابط اجتماعی صمیمی و گرم	افسرده‌خویی
۳۱	ضعف در خوش‌بینی و شادی	
۳۲	افسرگی اجتماعی	
۳۳	ترس دائم	
۳۴	خشم پنهان	
۳۵	بیش از حد فکر کردن و نگران بودن	
۳۶	خود را قربانی سیستم دانستن	احساس قربانی بودن
۳۷	احساس قربانی بی‌عدالتی	
۳۸	احساس مظلومیت و مورد ظلم قرار گرفتن	
۳۹	احساس بی‌ارزشی	خود کم‌بینی
۴۰	احساس حقارت عمومی	

ردیف	مضمون‌های پایه‌ای	مضمون‌های سازمان‌دهنده
۴۱	ضعف اعتماد به نفس	
۴۲	ضعف انگیزه توفیق طلبی	
۴۳	عدم باور به توانمندی‌های خود	
۴۴	تقدیر گرایی	انفعال و تسلیم‌پذیری
۴۵	منفعل بودن	
۴۶	فرهنگ تسلیم	
۴۷	عادت به روزمرگی و شرایط سخت (تسلیم شدن)	
۴۸	تسلیم و هماهنگ شدن با محیط نه غلبه بر آن	
۴۹	ضعف در شکستن عادت‌ها و باورهای غلط و اشتباه	
۵۰	قانع بودن مردم به امکانات اولیه زندگی	
۵۱	روحیه انفعال و رفتارهای منفعلانه	
۵۲	نگرش دولت‌محور در امور (انتظار همه امور از دولت)	
۵۳	انزوا طلبی	
۵۴	خاکشیر مزاجی	
۵۵	ضعیف بودن فرهنگ کار و تلاش	ضعف روحیه تلاش‌گری
۵۶	ضعیف روحیه سماجت و پشتکار	
۵۷	بی‌حوصلگی	
۵۸	بی‌انگیزگی	
۵۹	تنبل‌پروری	
۶۰	کم‌کاری	ضعف وجدان کاری
۶۱	اهمال‌کاری و تعلل	
۶۲	ضعف مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی فردی و اجتماعی	
۶۳	سرم‌بندی و ماست‌مالی کردن	
۶۴	گرایش به مشاغل کاذب	
۶۵	عدم وجود روحیه همکاری و همدلی	ضعف انسجام اجتماعی-فرهنگی
۶۶	ضعف همکاری پایدار اجتماعی	
۶۷	ضعف روحیه تیمی	
۶۸	عدم احساس تعلق اجتماعی	
۶۹	شکاف‌ها و هویت‌های مستقل	
۷۰	عدم انسجام درونی میان قومیت‌ها	
۷۱	شکاف و تعارضات فرهنگی	

ردیف	مضمون‌های پایه‌ای	مضمون‌های سازمان‌دهنده
۷۲	آشنایی فرهنگی	
۷۳	چندپارگی جامعه	
۷۴	ضعف هم‌پذیری فرهنگی	
۷۵	شکاف‌های تمدنی و فرهنگی	
۷۶	هویت چندپاره	
۷۷	چند پارگی فرهنگی	
۷۸	عدم تمایل به تعامل با افراد مختلف	ضعف تاب‌آوری بین‌فردی
۷۹	ضعف در تحمل نظرات یکدیگر	
۸۰	ضعف در تحمل و تعدیل نظرات خود	
۸۱	عدم تمایل به تبادل اطلاعات و تجربیات	ضعف مشارکت‌گرایی
۸۲	اهمیت ندادن به مشارکت عمومی	
۸۳	مشارکت منفعل و هدایت‌شده مردم	
۸۴	ضعف انسجام و مشارکت	
۸۵	ضعف عقلانیت عمومی	
۸۶	عجول و ناشکیبا بودن ایرانیان	تمایل به کسب نتایج زودرس
۸۷	کم‌تحمل و عجول بودن	
۸۸	زودخواستن و به زورخواستن	
۸۹	انگیزه برای نتایج زودرس	
۹۰	شتاب‌زدگی در انجام امور	
۹۱	تمایل به پاداش‌های زود هنگام	
۹۲	نگرش‌های منفعت‌طلبانه	خود مرکز بینی
۹۳	اولویت منافع فردی و جناحی بر منافع ملی	
۹۴	بی‌توجهی به منافع جمع	
۹۵	رقابت ناسالم و غیر سازنده	
۹۶	چشم و هم‌چشمی به‌جای رقابت	
۹۷	تخریب به‌جای رقابت (رقابت مخرب)	
۹۸	سنت تک‌روی و فردگرایی منفی	
۹۹	خلقیات و روحیات فردی	
۱۰۰	خودخواهی	
۱۰۱	حق به جانب بودن (تصور همیشه حق با ماست)	
۱۰۲	انتظار تغییر از دیگران	

ردیف	مضمون‌های پایه‌ای	مضمون‌های سازمان‌دهنده
۱۰۳	حسادت‌ورزی	
۱۰۴	ضعف همزیستی مسالمت‌آمیز	
۱۰۵	ساخت و پابخت	فرصت‌طلبی
۱۰۶	تبدیل موقعیت به منبع قدرت	
۱۰۷	به‌دنبال میان‌بر زدن و کوتاه کردن مسیر	
۱۰۸	تغییر جهت و نظر دادن بر مینا و فراخور حال خود	
۱۰۹	بدبینی و سوءظن	بدگمانی و بی‌اعتمادی
۱۱۰	ضعف اعتماد متقابل	
۱۱۱	احساس تضاد منافع با قدرت	
۱۱۲	احساس ناامنی و بی‌ثباتی	
۱۱۳	نارضایتی مستمر از وضع موجود	
۱۱۴	توهم توطئه	
۱۱۵	جامعه‌گریزی و عدم اعتماد	
۱۱۶	سنت بی‌اعتمادی نسبت به دولت	
۱۱۷	نگرش‌های منفی به دستگاه اجرایی	
۱۱۸	نگرش‌های منفی به نظام جهانی	
۱۱۹	بدگمانی در مناسبات و روابط اجتماعی	
۱۲۰	قضاوت‌های عجولانه	اتهام‌زنی
۱۲۱	قضاوت‌های نادرست	
۱۲۲	برچسب زدن	
۱۲۳	مقصریابی	
۱۲۴	شکاف جنسیتی	تبعیض جنسیتی
۱۲۵	زن‌ستیزی	
۱۲۶	نگاه به زن به‌عنوان جنس فروتر	
۱۲۷	نابرابری قومی و نژادی	تبعیض قومی و نژادی
۱۲۸	خود برتر دانی	
۱۲۹	قوم‌گرایی	
۱۳۰	وجود امتیازات طبقاتی در تخصیص منابع	امتیاز طبقاتی و خاص‌گرایی
۱۳۱	تقسیم‌بندی جامعه به عام و خاص	
۱۳۲	خاص‌گرایی و شامل نشدن قوانین و مقررات برای برخی افراد	
۱۳۳	رابطه عمودی قدرت در جامعه	

ردیف	مضمون‌های پایه‌ای	مضمون‌های سازمان‌دهنده
۱۳۴	تمایل به هرمی‌سازی قدرت	
۱۳۵	پذیرش فاصله قدرت بیش از اندازه توسط افراد	
۱۳۶	تقلیدگرایی	دیگر کنترلی
۱۳۷	همرنگ جماعت بودن	
۱۳۸	عادت به روش‌های ساده و غیر پیچیده	
۱۳۹	باور ضعیف نسبت به تغییر	تغییر‌گریزی
۱۴۰	ترس از تغییر	
۱۴۱	مقاومت متعصبانه در برابر تغییر	
۱۴۲	تمایل به حفظ وضع موجود	
۱۴۳	نگاه بدبینانه به تغییرات فرهنگی	
۱۴۴	ثبات‌جویی	
۱۴۵	ابهام‌گریزی	
۱۴۶	ضعف ریسک‌پذیری	
۱۴۷	گریز از خلاقیت، تحول و نوآوری	
۱۴۸	تغییرات کند و بطنی در فرهنگ سیاسی	
۱۴۹	عدم تحول در زیرساخت‌های اجتماعی-سیاسی	
۱۵۰	پرهیز از تعارض مستقیم با قدرت	مصلحت‌گرایی
۱۵۱	پرهیز یا ترس از پرداختن به سیاست	
۱۵۲	ترجیح مصلحت بر حقیقت	
۱۵۳	ابهام در بیان و عدم شفافیت	پنهان‌کاری
۱۵۴	خودسانسوری	
۱۵۵	دروغ‌گویی و دروغ‌گو پروری	
۱۵۶	وارونه‌گویی	
۱۵۷	عدم تمایل به اذعان واقعیت و فرار از آن	شفافیت‌گریزی
۱۵۸	ضعف در توجه به آمار و اطلاعات	
۱۵۹	نظارت‌پذیری ضعیف	
۱۶۰	فرار از مسئولیت و پاسخگویی	
۱۶۱	تمرکز منابع قدرت	اقتدار‌گرایی
۱۶۲	نظام سیاسی اقتدارگرا	
۱۶۳	مدیریت اقتدارگرایانه	
۱۶۴	فرهنگ استبدادی حاکم بر جامعه	

ردیف	مضمون‌های پایه‌ای	مضمون‌های سازمان‌دهنده
۱۶۵	استبداد تاریخی	
۱۶۶	آمادگی ایرانیان در پذیرش استبداد	
۱۶۷	ساختار بسته قدرت	
۱۶۸	فرهنگ تمرکزگرا	
۱۶۹	نگرش‌های پدرسالارانه	
۱۷۰	نگرش‌های سنتی در مورد حکومت و مشروعیت	
۱۷۱	نفوذ عمیق خودکامگی شرقی در جامعه	
۱۷۲	رابطه تابعیت بین مردم و حاکمیت سیاسی	
۱۷۳	احساس بی‌قدرتی	
۱۷۴	سلطه‌پروری و سلطه‌خواهی	
۱۷۵	سازش و مدارا در برابر زور	
۱۷۶	تکبر صاحبان قدرت نسبت به مردم	
۱۷۷	قدرت‌پرستی	
۱۷۸	قدرت‌طلبی افراطی	
۱۷۹	مسابقه مستمر برای نزدیکی به قدرت	
۱۸۰	ولع ارتقا و پیشرفت قدرت	
۱۸۱	تمامیت‌خواهی	
۱۸۲	تمایل به بت‌سازی	مراد پروری
۱۸۳	قهرمان‌پروری	
۱۸۴	اسطوره‌گرایی	
۱۸۵	تکلیف‌پذیری و تحریک‌پذیری	
۱۸۶	سفله‌پروری و سفله‌خواهی	مرید پروری
۱۸۷	نوجه‌پروری	
۱۸۸	مطیع‌پروری	
۱۸۹	سکوت‌خواهی	
۱۹۰	سرسپردگی‌گرایی و هواخواه‌خواهی	
۱۹۱	حقیر پروری	
۱۹۲	جاسوس پروری	
۱۹۳	سخن‌چین‌پروری	
۱۹۴	عدم تساهل و فرهنگ ستیز و برخورد حذفی با رقیب	رقیب‌ستیزی
۱۹۵	عدم تساهل در سازگاری	

ردیف	مضمون‌های پایه‌ای	مضمون‌های سازمان‌دهنده
۱۹۶	خشونت‌گرایی	
۱۹۷	رفتارهای میج‌گیری و تخریب در کنترل	
۱۹۸	استفاده از ابزار تهمت و افترا و جوسازی برای بیرون راندن رقیب	
۱۹۹	ساختار جامعه قبیله‌ای یا مکانیکی	قبیله‌سالاری
۲۰۰	خلقیات و شخصیت دیرپای قبیله‌ای	
۲۰۱	قبیله‌گرایی و خویشاوندگرایی	
۲۰۲	قبیله‌ای فکر کردن	
۲۰۳	تقدم ارزش‌های خانوادگی و قبیله‌ای بر ارزش‌های اجتماعی و سازمانی	
۲۰۴	سرکوب کردن استعدادها	نخبه‌کشی
۲۰۵	ضعف شایسته‌سالاری	
۲۰۶	تقدم ارزش‌های قومی نژادی بر شایستگی فردی	
۲۰۷	تایید و تکریم خارج از قاعده	تملق و چاپلوسی
۲۰۸	تقدیس و تکریم افراطی صاحبان قدرت	
۲۰۹	اغراق و مبالغه‌گویی	
۲۱۰	تزویر و ریا	تظاهر و نفاق
۲۱۱	ظاهرسازی و حفظ ظاهر	
۲۱۲	شکل‌گرایی و ظاهرگرایی	
۲۱۳	نفاق و دورویی در روابط اجتماعی	
۲۱۴	دوگانگی در رفتار و گفتار	
۲۱۵	چرخش سریع در رفتار و گفتار (زود رنگ عوض کردن)	
۲۱۶	قاعده‌گریزی	قانون‌گریزی
۲۱۷	هرج و مرج طلبی	
۲۱۸	ضعف در پایبندی به قانون	
۲۱۹	دور زدن قانون	
۲۲۰	عدم رعایت انضباط و سازگاری اجتماعی	
۲۲۱	تمایل به تقلب در انجام امور	
۲۲۲	فرهنگ رابطه‌گرایی	
۲۲۳	عدم رفتارهای قاعده‌مند و قابل پیش‌بینی	رفتارهای غیر قابل پیش‌بینی
۲۲۴	رفتارهای نسنجیده و خارج از روال	
۲۲۵	تصمیمات لحظه‌ای	
۲۲۶	رفتارهای ناپایدار (عضو حزب باد بودن)	

ردیف	مضمون‌های پایه‌ای	مضمون‌های سازمان‌دهنده
۲۲۷	رفتارهای اجتماعی نامنظم	
۲۲۸	هوچی‌گری	
۲۲۹	بی‌توجهی به تجارب گذشته	عدم یادگیری از تجارب
۲۳۰	عبرت نیاموختن از تجارب گذشته	
۲۳۱	استمرار اشتباهات گذشته	
۲۳۲	از وقت بهره نگرفتن	فرض نامحدود بودن زمان
۲۳۳	اتلاف وقت و انرژی	
۲۳۴	وقت خود را به بطلات گذراندن	
۲۳۵	دم‌گرایی و بی‌توجهی به برنامه	
۲۳۶	به سخره گرفتن و طنزسازی از مشکلات	استحاله مشکلات از طریق طنزپردازی
۲۳۷	برخوردهای غیر واقعی با مشکلات	
۲۳۸	جایگزینی اخبار مسخره به جای اتفاقات در حال وقوع	

در گام آخر، بر اساس مشابهت‌های کاربردی مضمون‌های سازمان‌دهنده، هر چند مضمون در یک دسته به نام مضمون فراگیر قرار گرفت، در مرحله قبل، ۴۲ مضمون سازمان‌دهنده شناسایی شد که در این مرحله در قالب ۱۳ مضمون فراگیر دسته‌بندی گردید. در جدول ۳، دسته‌بندی مضمون‌های سازمان‌دهنده در قالب مضمون‌های فراگیر ارائه شده است.

جدول ۳. دسته‌بندی مضمون‌های سازمان‌دهنده و استخراج مضمون‌های فراگیر

ردیف	مضمون‌های سازمان‌دهنده	مضمون‌های فراگیر
۱	انعطاف‌ناپذیری و خشکاندیشی	جزم‌گرایی و نقدناپذیری
۲	تفاهم‌گریزی	
۳	خرافه‌گرایی و عقل‌ستیزی	عقل‌گریزی
۴	کنش و واکنش احساسی-هیجانی	
۵	نهادهای سنتی	سنت‌گرایی افراطی
۶	تعصب و افراط‌گرایی	
۷	یاس و ناامیدی	روان‌رنجور خوبی
۸	افسرده‌خویی	
۹	احساس قربانی بودن	
۱۰	خودکم‌بینی	
۱۱	انفعال و تسلیم‌پذیری	
۱۲	ضعف روحیه تلاش‌گری	ضعف اخلاق کاری
۱۳	ضعف وجدان کاری	
۱۴	ضعف انسجام اجتماعی-فرهنگی	ضعف روحیه جمعی
۱۵	ضعف تاب‌آوری بین‌فردی	

ردیف	مضمون‌های سازمان‌دهنده	مضمون‌های فراگیر
۱۶	ضعف مشارکت‌گرایی	
۱۷	تمایل به کسب نتایج زودرس	
۱۸	خود مرکز بینی	
۱۹	فرصت‌طلبی	
۲۰	بدگمانی و بی‌اعتمادی	
۲۱	اتهام‌زنی	
۲۲	تبعیض جنسیتی	تبعیض و نابرابری
۲۳	تبعیض قومی و نژادی	
۲۴	امتیاز طبقاتی و خاص‌گرایی	
۲۵	دیگر کنترلی	محافظه‌کاری
۲۶	تغییر‌گریزی	
۲۷	مصلحت‌گرایی	
۲۸	پنهان‌کاری	ترس از رویارویی با واقعیت
۲۹	شفافیت‌گریزی	
۳۰	اقتدار گرایی	خان‌سالاری
۳۱	مراد پروری	
۳۲	مرید پروری	
۳۳	رقیب‌ستیزی	
۳۴	قبیله‌سالاری	
۳۵	نخبه‌کشی	
۳۶	تملق و چاپلوسی	چاپلوسی و دورویی
۳۷	نظاھر و نفاق	
۳۸	قانون‌گریزی	نظم‌گریزی
۳۹	رفتارهای غیر قابل پیش‌بینی	
۴۰	عدم یادگیری از تجارب	تجربه‌سوزی
۴۱	فرض نامحدود بودن زمان	
۴۲	استحاله مشکلات از طریق طنزپردازی	

سازمان دهنده)، تجربه‌سوزی (شامل ۱۰ مضمون پایه‌ای و ۳ مضمون سازمان دهنده).

مضمون فراگیر «جزم‌گرایی و نقدناپذیری» شامل دو مضمون سازمان دهنده است: ۱. انعطاف‌ناپذیری و خشک‌اندیشی، ۲. تفاهم‌گریزی. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جزم‌گرایی به‌عنوان یک مانع فرهنگی عمده، نه تنها موجب محدودیت در پذیرش ایده‌ها و نظرات نوین می‌شود، بلکه به تداوم وضعیت موجود و عدم پیشرفت سیاسی در ایران دامن می‌زند. این انعطاف‌ناپذیری و خشک‌اندیشی، که به‌ویژه در سطوح تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مشهود است، باعث می‌شود که افراد و گروه‌ها به جای تعامل و همکاری، به مواضع انعطاف‌ناپذیر و غیرقابل تغییر خود پایبند بمانند. از سوی دیگر، تفاهم‌گریزی به‌عنوان پیامد این جزم‌گرایی، فضای اجتماعی را به سمتی سوق می‌دهد که گفتگوهای سازنده و تبادل نظر بین گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی به حداقل می‌رسد. این دو عامل به‌طور همزمان بر انسجام اجتماعی و همبستگی ملی تأثیر منفی می‌گذارند و در نهایت، توسعه سیاسی پایدار را در ایران به چالش می‌کشند. بنابراین، برای غلبه بر موانع فرهنگی توسعه سیاسی در کشور، ضروری است که راه‌کارهایی جهت ترویج تفکر انتقادی و فرهنگ تفاهم و گفت‌وگو در جامعه ارائه گردد.

مضمون فراگیر «عقل‌گریزی» شامل دو مضمون سازمان دهنده است: ۱. خرافه‌گرایی و عقل‌ستیزی، ۲. کنش و واکنش احساسی-هیجانی. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که خرافه‌گرایی و عقل‌ستیزی به‌عنوان موانع جدی در فرآیند توسعه سیاسی در ایران عمل می‌کنند. این باورها نه تنها مانع از پذیرش و تحلیل منطقی مسائل سیاسی می‌شوند، بلکه به تداوم فرهنگ‌های غیرعقلانی و سنتی دامن می‌زنند. همچنین، کنش و واکنش‌های احساسی-هیجانی به جای تصمیم‌گیری‌های منطقی، منجر به ایجاد تنش‌ها و بحران‌های اجتماعی می‌شود که بر انسجام سیاسی و اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارد. در نتیجه، برای تسهیل توسعه سیاسی، ضروری است که به ترویج تفکر انتقادی و عقلانی پرداخته شود و تلاش‌هایی برای تغییر نگرش‌ها و باورهای فرهنگی صورت گیرد تا زمینه‌سازی برای یک جامعه مدنی و متفکر فراهم گردد.

مضمون فراگیر «سنت‌گرایی افراطی» شامل دو مضمون سازمان دهنده است: ۱. نهادهای سنتی، ۲. تعصب و افراط‌گرایی. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که «سنت‌گرایی افراطی» به‌عنوان یک مانع فرهنگی جدی در فرآیند توسعه سیاسی در ایران عمل می‌کند. نهادهای سنتی، با حفظ و ترویج ارزش‌ها و هنجارهای قدیمی، مانع از پذیرش نوآوری‌ها و تغییرات ضروری در عرصه سیاسی می‌شوند. این نهادها نه تنها به تداوم ساختارهای غیرمؤثر کمک می‌کنند، بلکه موجب تقویت بی‌اعتمادی عمومی به نهادهای مدرن و

دموکراتیک نیز می‌گردند. از سوی دیگر، تعصب و افراط‌گرایی به ایجاد فضایی بسته و غیرانتقادی منجر می‌شود که در آن تبادل نظر و گفت‌وگوهای سازنده به حاشیه رانده می‌شوند. این وضعیت به کاهش مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد جامعه و تضعیف انسجام اجتماعی منجر می‌شود. در نتیجه، برای تسهیل فرآیند توسعه سیاسی در ایران، ضروری است که به چالش‌های ناشی از سنت‌گرایی افراطی پرداخته شود و زمینه‌های تغییر فرهنگی و اجتماعی فراهم گردد.

مضمون فراگیر «روان‌رنجور خوبی» شامل پنج مضمون سازمان‌دهنده است: ۱. یاس و ناامیدی، ۲. افسرده‌خویی، ۳. احساس قربانی بودن، ۴. خود کم‌بینی، ۵. انفعال و تسلیم‌پذیری. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که «روان‌رنجور خوبی» به‌عنوان یک مانع فرهنگی عمده در توسعه سیاسی در ایران، تأثیرات عمیقی بر رفتار و نگرش‌های اجتماعی افراد دارد. یاس و ناامیدی، به‌عنوان نخستین مضمون، موجب کاهش انگیزه‌های فردی و جمعی برای مشارکت در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی می‌شود و این احساس به‌تدریج به افسرده‌خویی منجر می‌گردد که خود به تضعیف روحیه اجتماعی و اعتمادبه‌نفس افراد دامن می‌زند. احساس قربانی بودن، به‌عنوان سومین مضمون، نه‌تنها موجب انزوای فردی می‌شود بلکه باعث ایجاد حس ناتوانی در تغییر وضعیت موجود نیز می‌گردد. این امر به خود کم‌بینی و ناتوانی در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی منجر می‌شود، که در نهایت به انفعال و تسلیم‌پذیری در برابر شرایط موجود می‌انجامد. چنین وضعیتی نه‌تنها مانع از شکل‌گیری یک جامعه فعال و پویا می‌شود، بلکه به تداوم ساختارهای غیرمؤثر سیاسی و اجتماعی نیز کمک می‌کند. بنابراین، برای غلبه بر این موانع فرهنگی و تسهیل فرآیند توسعه سیاسی در ایران، ضروری است که به ایجاد فضایی مثبت و امیدبخش پرداخته شود که در آن افراد بتوانند با اعتمادبه‌نفس و انگیزه بیشتری در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی شرکت کنند.

مضمون فراگیر «ضعف اخلاق کاری» شامل دو مضمون سازمان‌دهنده است: ۱. ضعف روحیه تلاش‌گری، ۲. ضعف وجدان کاری. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این دو عنصر به‌طور مستقیم بر کیفیت و بهره‌وری در محیط‌های کاری و اجتماعی تأثیر می‌گذارند. ضعف روحیه تلاش‌گری نه‌تنها به کاهش انگیزه‌های فردی و جمعی منجر می‌شود، بلکه موجب ایجاد فرهنگی می‌گردد که در آن افراد به‌جای تلاش برای دستیابی به هدف‌ها و پیشرفت، به دنبال راه‌های آسان و میان‌بر هستند. این وضعیت به‌نوبه خود به تضعیف روحیه همکاری و همیاری در بین اعضای جامعه منجر می‌شود و باعث می‌شود که افراد کمتر تمایل به مشارکت در پروژه‌ها و فعالیت‌های جمعی داشته باشند. از سوی دیگر، ضعف وجدان کاری باعث می‌شود که

افراد نسبت به وظایف و مسئولیت‌های خود بی‌توجه شوند و کیفیت کارهای انجام‌شده کاهش یابد. این امر نه تنها بر عملکرد فردی تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی و نارضایتی در جامعه نیز منجر شود. در نتیجه، برای ارتقاء اخلاق کاری و بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی، لازم است که برنامه‌های آموزشی و فرهنگی مؤثری طراحی و اجرا شود که بر تقویت روحیه تلاش‌گری و وجدان کاری تأکید داشته باشد. چنین اقداماتی می‌تواند به ایجاد محیطی پویا و فعال منجر شود که در آن افراد با انگیزه و تعهد بیشتری به انجام وظایف خود بپردازند و در نهایت به توسعه پایدار جامعه کمک کنند.

مضمون فراگیر «ضعف روحیه جمعی» شامل هشت مضمون سازمان‌دهنده است: ۱. ضعف انسجام اجتماعی-فرهنگی، ۲. ضعف تاب‌آوری بین‌فردی، ۳. ضعف مشارکت‌گرایی، ۴. تمایل به کسب نتایج زودرس، ۵. خود مرکز بینی، ۶. فرصت‌طلبی، ۷. بدگمانی و بی‌اعتمادی، ۸. اتهام‌زنی. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که «ضعف روحیه جمعی» به‌عنوان یک چالش جدی در جوامع معاصر، به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی، تأثیرات عمیقی دارد. ضعف انسجام اجتماعی-فرهنگی موجب ایجاد فاصله و تفرقه بین افراد و گروه‌ها می‌شود و مانع از شکل‌گیری هویت مشترک و همبستگی اجتماعی می‌گردد. علاوه بر این، ضعف تاب‌آوری بین‌فردی باعث می‌شود که افراد کمتر قادر به مواجهه با چالش‌ها و مشکلات اجتماعی باشند و این امر به تضعیف روابط انسانی و افزایش تنش‌ها منجر می‌شود. همچنین، ضعف مشارکت‌گرایی نشان‌دهنده عدم تمایل افراد به همکاری و همیاری در پروژه‌های جمعی است که می‌تواند به کاهش کیفیت خدمات عمومی و نارضایتی اجتماعی منجر شود. تمایل به کسب نتایج زودرس و خود مرکز بینی نیز باعث می‌شود که افراد بیشتر به دنبال منافع شخصی باشند تا منافع جمعی، که این امر در نهایت به فرصت‌طلبی و سوءاستفاده از شرایط موجود دامن می‌زند. بدگمانی و بی‌اعتمادی در بین اعضای جامعه، همراه با اتهام‌زنی، به تضعیف روابط اجتماعی و کاهش روحیه همکاری منجر می‌شود و این چرخه معیوب می‌تواند مانع از پیشرفت اجتماعی و اقتصادی گردد. بنابراین، برای تقویت روحیه جمعی و ایجاد یک جامعه سالم و پایدار، لازم است که برنامه‌های آموزشی و فرهنگی مؤثری طراحی شود که بر تقویت انسجام اجتماعی، تاب‌آوری و مشارکت‌گرایی تأکید داشته باشد.

مضمون فراگیر «تبعیض و نابرابری» شامل سه مضمون سازمان‌دهنده است: ۱. تبعیض جنسیتی، ۲. تبعیض قومی و نژادی، ۳. امتیاز طبقاتی و خاص‌گرایی. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تبعیض و نابرابری به‌عنوان موانع فرهنگی مهمی در توسعه سیاسی در ایران عمل می‌کنند و به‌طور مستقیم

بر مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارند. تبعیض جنسیتی به‌ویژه در عرصه‌های تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، با رویکرد زن‌ستیزی و نگاه به زن به‌عنوان جنس فروتر، زنان را از فرصت‌های برابر محروم می‌کند و مانع از حضور مؤثر آنها در فرآیندهای سیاسی می‌شود. از سوی دیگر، تبعیض قومی و نژادی نه تنها بر احساس هویت و تعلق افراد به جامعه تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه باعث ایجاد شکاف‌های عمیق اجتماعی و عدم اعتماد بین گروه‌های مختلف می‌شود. همچنین، امتیاز طبقاتی و خاص‌گرایی به تداوم نابرابری‌ها دامن می‌زند و موجب می‌شود که تنها گروه‌های خاصی از مزایای اقتصادی و سیاسی بهره‌مند شوند، درحالی‌که دیگران از این امکانات محروم بمانند. این موانع فرهنگی نه تنها مانع از گسترش دموکراسی و مشارکت فعال شهروندان می‌شوند، بلکه به تضعیف انسجام اجتماعی و کاهش امید به تغییرات مثبت در جامعه منجر می‌شوند. لذا، برای تحقق توسعه سیاسی پایدار در ایران، ضروری است که به این موانع توجه ویژه‌ای شود و راه‌کارهای مؤثری برای کاهش تبعیض‌ها و افزایش برابری اجتماعی ارائه گردد.

مضمون فراگیر «محافظه‌کاری» شامل سه مضمون سازمان‌دهنده است: ۱. دیگر کنترلی، ۲. تغییر‌گریزی، ۳. مصلحت‌گرایی. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که محافظه‌کاری به‌عنوان یک مانع فرهنگی جدی در توسعه سیاسی در ایران عمل می‌کند. دیگر کنترلی، به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، موجب می‌شود که افراد به تقلید از دیگران و هم‌رنگ جماعت بودن تمایل داشته باشند و از پذیرش ایده‌ها و روش‌های جدید خودداری کنند. این رفتار نه تنها خلاقیت را سرکوب می‌کند، بلکه مانع از شکل‌گیری تفکر انتقادی و نوآوری در جامعه می‌شود. از سوی دیگر، تغییر‌گریزی به باورهای ضعیف نسبت به تغییر و ترس از آن دامن می‌زند، که این امر موجب مقاومت متعصبانه در برابر تغییرات فرهنگی و اجتماعی می‌شود. این وضعیت، ثبات‌جویی و ابهام‌گریزی را تقویت کرده و در نهایت، زیرساخت‌های اجتماعی-سیاسی را از تحول بازمی‌دارد. در نهایت، مصلحت‌گرایی به پرهیز از تعارض مستقیم با قدرت و ترس از پرداختن به سیاست منجر می‌شود، که این خود مانع از تحقق حقیقت و پیشرفت‌های ضروری در جامعه می‌گردد. به‌طور کلی، این موانع فرهنگی نه تنها توسعه سیاسی را مختل می‌کنند، بلکه به تضعیف اعتماد عمومی و کاهش مشارکت فعال شهروندان در فرآیندهای سیاسی منجر می‌شوند. لذا، برای ایجاد تغییرات مثبت و پایدار در ساختار سیاسی ایران، ضروری است که به این مسئله توجه ویژه‌ای شود و راه‌کارهای مؤثری برای غلبه بر محافظه‌کاری ارائه گردد.

مضمون فراگیر «ترس از رویارویی با واقعیت» شامل دو مضمون سازمان‌دهنده است: ۱. پنهان‌کاری، ۲. شفافیت‌گریزی. نتایج این پژوهش نشان

می‌دهد که این دو رفتار به‌طور قابل توجهی مانع از توسعه سیاسی در ایران می‌شوند. پنهان‌کاری به‌عنوان یک سازوکار دفاعی، افراد و نهادها را به سمت عدم افشای اطلاعات و حقیقت‌های تلخ سوق می‌دهد، که این امر نه تنها موجب عدم اعتماد عمومی می‌شود، بلکه فضایی از ابهام و عدم شفافیت را در جامعه ایجاد می‌کند. در این شرایط، شهروندان به‌جای مواجهه با واقعیت‌ها، ترجیح می‌دهند که در دایره‌ای از سکوت و عدم اطلاع باقی بمانند. از سوی دیگر، شفافیت‌گریزی به‌عنوان یک مانع فرهنگی دیگر، به تضعیف ارتباطات میان نهادهای مختلف و جامعه مدنی منجر می‌شود. این رفتارها باعث ایجاد یک چرخه معیوب می‌شوند که در آن عدم شفافیت و پنهان‌کاری به ترس از مواجهه با واقعیت‌ها دامن می‌زند و در نهایت، توانمندی جامعه برای پذیرش تغییرات مثبت و سازنده را کاهش می‌دهد. به‌عبارتی، این ترس از رویارویی با واقعیت‌ها نه تنها مانع از پیشرفت‌های سیاسی و اجتماعی می‌شود، بلکه به تداوم وضعیت موجود و عدم تغییرات اساسی در نظام سیاسی ایران کمک می‌کند. لذا، ضروری است که برای غلبه بر این موانع فرهنگی، راه‌کارهای مؤثری برای تقویت شفافیت و کاهش پنهان‌کاری در سطح جامعه و نهادهای سیاسی ارائه گردد.

مضمون فراگیر «خان‌سالاری» شامل شش مضمون سازمان‌دهنده است: ۱. اقتدارگرایی، ۲. مراد پروری، ۳. مرید پروری، ۴. رقیب‌ستیزی، ۵. قبیله‌سالاری، ۶. نخبه‌کشی. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این موانع فرهنگی به‌طور عمیق در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران ریشه دوانده و مانع از شکل‌گیری یک نظام سیاسی دموکراتیک و مشارکتی می‌شوند. اقتدارگرایی به‌عنوان یک اصل بنیادین، فضای رقابتی را محدود کرده و افرادی را که دارای توانمندی‌های فکری و مدیریتی هستند، به حاشیه می‌برد. مراد پروری و مرید پروری نیز روابط غیررسمی و غیرشفاف را تقویت کرده و به‌جای ایجاد فضایی از تبادل نظر و ایده‌ها، به تقویت وابستگی‌های شخصی و قبیله‌ای منجر می‌شود. رقیب‌ستیزی به تضعیف روحیه همکاری و همبستگی میان گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی دامن می‌زند و در نتیجه منجر به افزایش تنش‌ها و تضادهای داخلی می‌شود. قبیله‌سالاری، با تکیه بر هویت‌های قومی و گروهی، مانع از شکل‌گیری یک هویت ملی مشترک و همبسته می‌شود. در نهایت، نخبه‌کشی به‌عنوان یک پدیده فرهنگی، موجب فرار مغزها و تضعیف نخبگان علمی و فرهنگی در کشور می‌شود. این چرخه معیوب نه تنها مانع از توسعه سیاسی می‌شود بلکه باعث تداوم وضعیت موجود و جلوگیری از تغییرات مثبت در نظام سیاسی ایران می‌گردد. بنابراین، برای غلبه بر این موانع فرهنگی، ضروری است که راه‌کارهایی برای تقویت فرهنگ مشارکت، شفافیت و احترام به تنوع اندیشه‌ها در سطح جامعه و نهادهای سیاسی ارائه

گردد.

مضمون فراگیر «چاپلوسی و دورویی» شامل دو مضمون سازمان‌دهنده است: ۱. تملق و چاپلوسی، ۲. تظاهر و نفاق. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این دو رفتار فرهنگی به‌طور قابل توجهی در فرآیند توسعه سیاسی در ایران تأثیر منفی دارند. تملق و چاپلوسی به‌عنوان یک استراتژی اجتماعی برای جلب توجه و رضایت قدرت‌های حاکم، نه‌تنها موجب کاهش صداقت در روابط اجتماعی می‌شود، بلکه مانع از ابراز نظرات واقعی و انتقادات سازنده نیز می‌گردد. این امر باعث می‌شود که تصمیم‌گیری‌ها بر اساس شایستگی‌ها و توانمندی‌ها صورت نگیرد و به‌جای آن، افراد با مهارت‌های ارتباطی قوی‌تر که قادر به جلب توجه و اعتماد دیگران هستند، در موقعیت‌های کلیدی قرار گیرند. از سوی دیگر، تظاهر و نفاق به ایجاد فضایی از بی‌اعتمادی و عدم شفافیت در جامعه منجر می‌شود که در آن افراد به جای بیان نظرات واقعی خود، به بازی‌های سیاسی و اجتماعی می‌پردازند. این وضعیت نه‌تنها موجب تضعیف روحیه همبستگی اجتماعی می‌شود، بلکه مانع از شکل‌گیری یک نظام سیاسی مبتنی بر مشارکت و اعتماد عمومی می‌گردد. در نهایت، این چرخه معیوب فرهنگی، به تداوم وضعیت موجود و جلوگیری از تغییرات مثبت در نظام سیاسی ایران کمک می‌کند. بنابراین، برای غلبه بر این موانع فرهنگی، ضروری است که راه‌کارهایی برای تقویت فرهنگ صداقت، شفافیت و احترام به تنوع اندیشه‌ها در سطح جامعه و نهادهای سیاسی ارائه گردد.

مضمون فراگیر «نظم‌گریزی» شامل دو مضمون سازمان‌دهنده است: ۱. قانون‌گریزی، ۲. رفتارهای غیر قابل پیش‌بینی. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نظم‌گریزی به‌عنوان یک مانع فرهنگی جدی در توسعه سیاسی در ایران عمل می‌کند. قانون‌گریزی، به‌معنای عدم رعایت قوانین و مقررات موجود، نه‌تنها به تضعیف نهادهای قانونی و حکومتی منجر می‌شود، بلکه موجب کاهش اعتماد عمومی به نظام سیاسی و اجتماعی نیز می‌گردد. این وضعیت باعث می‌شود که افراد به‌جای پایبندی به اصول و قواعد، به رفتارهایی متوسل شوند که بر اساس منافع شخصی و لحظه‌ای خودشان شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، رفتارهای غیر قابل پیش‌بینی، که ناشی از عدم ثبات و یکپارچگی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌هاست، به بی‌اعتمادی عمومی دامن می‌زند و افراد را از مشارکت فعال در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی باز می‌دارد. این دو عامل در کنار هم، محیطی را ایجاد می‌کنند که در آن تغییرات مثبت و سازنده به راحتی محقق نمی‌شوند و توسعه سیاسی با موانع جدی مواجه می‌گردد. بنابراین، برای غلبه بر این موانع فرهنگی، نیاز است که اقداماتی در جهت تقویت فرهنگ قانون‌مداری و پیش‌بینی‌پذیری در سیاست‌ها و رفتارهای اجتماعی صورت گیرد تا بتوان به یک نظام سیاسی پایدار و مؤثر دست یافت.

مضمون فراگیر «تجربه‌سوزی» شامل سه مضمون سازمان‌دهنده است: ۱. عدم یادگیری از تجارب، ۲. فرض نامحدود بودن زمان، ۳. استحاله مشکلات از طریق طنزپردازی. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این موانع فرهنگی به‌طور مستقیم بر توسعه سیاسی در ایران تأثیر می‌گذارند. عدم یادگیری از تجارب گذشته موجب تکرار اشتباهات و ناکامی‌ها در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی می‌شود و به‌جای ایجاد تغییرات مثبت، منجر به رکود و بی‌حرکی در جامعه می‌گردد. فرض نامحدود بودن زمان نیز باعث می‌شود که افراد و نهادها نسبت به ضرورت اقدام فوری و مؤثر غفلت کنند و از این‌رو، فرصت‌های موجود برای پیشرفت و اصلاحات را از دست بدهند. در نهایت، استحاله مشکلات از طریق طنزپردازی به‌عنوان یک مکانیزم دفاعی در جامعه، به‌طور قابل توجهی بر روند حل مسائل اجتماعی و سیاسی تأثیر می‌گذارد. این پدیده به‌سخره گرفتن و طنزسازی از مشکلات، نه تنها به کاهش جدیت در مواجهه با چالش‌ها منجر می‌شود، بلکه باعث ایجاد برخوردهای غیر واقعی با واقعیت‌های موجود نیز می‌گردد. در چنین شرایطی، افراد به‌جای تحلیل و بررسی عمیق مسائل، به ایجاد و مصرف محتوای طنزآمیز روی می‌آورند که به‌تدریج جایگزین اخبار و اطلاعات واقعی می‌شود. این روند نه تنها آگاهی عمومی را کاهش می‌دهد، بلکه به تضعیف اعتماد به نفس جامعه در مواجهه با مشکلات جدی منجر می‌شود. در نهایت، این نوع استحاله مشکلات می‌تواند به ایجاد یک فضای انفعالی و بی‌حرکی در جامعه بینجامد که مانع از شکل‌گیری تغییرات مثبت و توسعه پایدار می‌شود. بنابراین، برای غلبه بر این چالش‌ها و ایجاد یک فرهنگ پاسخگو و فعال، ضروری است که جوامع به سمت یادگیری از تجربیات گذشته و مواجهه جدی با مسائل سوق داده شوند. در نهایت، هر پژوهش با چالش‌هایی در زمینه جمع‌آوری داده‌ها، روش‌های تحلیل، ابزارها، منابع و زمان مواجه است. از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به مشکلات مربوط به ابزارهای جمع‌آوری داده و احتمال سوگیری مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به سوال‌هایی که به قضاوت شخصی وابسته‌اند، اشاره کرد. بنابراین، با توجه به این محدودیت‌ها، نتایج این پژوهش می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای پژوهش‌های آینده مورد استفاده قرار گیرد تا پژوهشگران بعدی بتوانند با غلبه بر این چالش‌ها، مطالعات تکمیلی را انجام دهند. همچنین، پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران آینده به شناسایی محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران بپردازند.

۷. منابع

۱. آصف، هاجر؛ امیری، مجتبی؛ فرهنگی، علی اکبر و سلطانی فر، محمد. (۱۳۹۶). بررسی نقش رسانه‌های جمعی در کاهش موانع توسعه فرهنگی با رویکرد مدیریتی. نشریه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۷ (۴)، ۴۲۵-۴۴۵.
۲. آگاه، فریبا؛ نادى، محمدعلی و کریمی، فریبا. (۱۴۰۰). شناسایی مولفه‌های موثر در مشارکت والدین در مدرسه: رویکردی کیفی با روش تحلیل مضمون. فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت مدرسه، ۹ (۲)، ۲۷۰-۳۰۰.
۳. آل یاسین، احمد. (۱۳۹۹). سبب‌شناسی توسعه‌نیافتگی ایران. تهران، پژوهش‌های کیوان.
۴. ازکیا، مصطفی؛ احمدش، رشید و دانش مهر، حسین. (۱۳۹۴). توسعه و مناقشات پارادایمی جدید. تهران: انتشارات کیهان.
۵. بهنام، جمشید. (۱۳۷۵). ایرانیان و اندیشه تجدد. تهران: نشر فرزاد.
۶. حیدرپورکلیدسر، محمد؛ وثوقی، منصور؛ ساروخانی، باقر و ازکیا، مصطفی. (۱۳۹۶). واکاوی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران (عصر پهلوی دوم). نشریه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۸ (۴۰)، ۱-۳۲.
۷. رهبر، عباسعلی. (۱۳۹۳). تعامل ساخت فرهنگ با توسعه سیاسی در فرهنگ سیاسی شیعه. نشریه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۳ (۹)، ۶۵-۹۳.
۸. شهرام‌نیا، امیرمسعود و مظفری، فرحناز. (۱۳۹۲). صورت‌بندی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. نشریه دانش سیاسی و بین‌المللی، ۲ (۱)، ۸۹-۱۱۴.
۹. عسگری، مهرا؛ خدای، علیرضا و خادمی، بهبود. (۱۴۰۱). موانع توسعه سیاسی در ایران با تاکید بر مشارکت نخبگان دانشگاهی. شماره ۵۵ رتبه B دانشگاه آزاد.
۱۰. فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۴). ما ایرانیان (زمینه‌کاوی تاریخی و اجتماعی خلیفات ایرانی). نشر نی، چاپ پنجم، تهران.
۱۱. قادری، ریحانه. (۱۳۹۶). موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران. اولین کنفرانس بین‌المللی توسعه و ترویج علوم انسانی در جامعه، تهران.
۱۲. موسوی، سید محمدرضا؛ ابطی، سید مصطفی؛ مطلبی، مسعود و بیات، بهرام. (۱۳۹۹). موانع توسعه سیاسی در ایران معاصر با تاکید بر هویت سیاسی و فرهنگی. نشریه تخصصی علوم سیاسی، ۱۶ (۵۰)، ۲۱-۳۸.
۱۳. موسوی، سید محمدرضا؛ ابطی، سید مصطفی؛ مطلبی، مسعود و بیات، بهرام. (۱۳۹۹). چندپارگی فرهنگی و توسعه سیاسی ایران معاصر، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹ (۳۳)، ۱۷۴-۱۵۵.
۱۴. عسگری، مهرا؛ خدای، علیرضا و خادمی، بهبود. (۱۴۰۱). موانع توسعه سیاسی در ایران با تاکید بر مشارکت نخبگان دانشگاهی. شماره ۵۵ رتبه B دانشگاه آزاد.